

رفع تصرف ۳۰۰ مترمربع از اراضی دولتی در آستانه اشرفیه

ره‌نگاران/ رئیس اداره راه و شهرسازی شهرستان آستانه اشرفیه، از رفع تصرف ۳۰۰ مترمربع از اراضی دولتی در محدوده شهر آستانه اشرفیه خبر داد.

به گزارش [با بگاه اطلاع‌رسانی ره‌نگاران](#)؛ محمدصادق فرج‌زاده، با اشاره به مأموریت یگان حفاظت اراضی در صیانت از حقوق بیت‌المال اظهار کرد: در پی شناسایی تصرف غیرقانونی بخشی از اراضی دولتی، با پیگیری‌های انجام‌شده و اقدام به‌موقع یگان حفاظت اداره کل راه و شهرسازی استان گیلان، عملیات رفع تصرف این اراضی با موفقیت انجام و زمین مذکور به مالکیت دولت بازگردانده شد.

فرج‌زاده با تأکید بر برخورد قانونی با هرگونه تعرض به اراضی ملی و دولتی افزود: حفاظت از اراضی دولتی و جلوگیری از زمین‌خواری از اولویتهای مجموعه راه و شهرسازی است و یگان حفاظت با رصد مستمر و اقدامات قانونی، هرگونه تصرف غیرمجاز را در سریع‌ترین زمان ممکن پیگیری و رفع خواهد کرد.

رئیس اداره راه و شهرسازی شهرستان آستانه اشرفیه همچنین از شهروندان خواست در صورت مشاهده هرگونه تصرف یا ساخت‌وساز غیرمجاز در اراضی دولتی، موضوع را از طریق مراجع ذی‌ربط اطلاع‌رسانی کنند تا در راستای صیانت از حقوق عمومی، اقدامات قانونی لازم انجام شود.

ضرورت هم‌افزایی دستگاه‌ها در اجرای نهضت ملی مسکن آستانه اشرفیه

ره‌نگاران/ رئیس راه و شهرسازی آستانه اشرفیه با تأکید بر تسريع

اجرای پروژه مسکن ملی گفت: با برنامه‌ریزی مشترک میان متولیان آب، برق و گاز، عملیات تأمین زیرساخت‌ها همزمان با پیشرفت فیزیکی پروژه انجام خواهد شد تا واحدهای مسکونی در موعد مقرر به متقاضیان تحویل شود.

به گزارش [پایگاه اطلاع‌رسانی ره‌نگاران](#)؛ محمدصادق فرج‌زاده، رئیس اداره راه و شهرسازی آستانه‌اشرفیه، در گفت‌وگو با خبرنگار پایگاه خبری «دیدهبان گیلان» با اشاره به برگزاری نشست تخصصی هماهنگی با دستگاه‌های خدمات‌رسان برای تسریع در اجرای پروژه نهضت ملی مسکن در این شهرستان اظهار کرد: تأمین زیرساخت‌های پروژه نهضت ملی مسکن باید همگام با پیشرفت عملیات ساختمانی انجام شود تا در زمان بهره‌برداری، هیچ‌گونه وقفه‌ای در ارائه خدمات به ساکنان ایجاد نشود.

وی با اشاره به برگزاری نشست بررسی وضعیت پروژه نهضت ملی در محل اجرای پروژه افزود: این جلسه با حضور نمایندگان شرکت‌های آب و فاضلاب، توزیع نیروی برق، شرکت گاز استان گیلان، مشاور پروژه، پیمانکار، کارشناس مسئول تأسیسات اداره کل راه و شهرسازی و سایر عوامل فنی برگزار شد و آخرین وضعیت اجرایی پروژه از نزدیک مورد بررسی قرار گرفت.

رئیس اداره راه و شهرسازی آستانه‌اشرفیه با بیان اینکه هماهنگی میان دستگاه‌های خدمات‌رسان یکی از مهم‌ترین الزامات موفقیت پروژه‌های عمرانی است، تصریح کرد: در این نشست، برنامه‌ریزی لازم برای طراحی و اجرای شبکه‌های توزیع آب، برق و گاز متناسب با روند ساخت واحدهای مسکونی انجام شد و هر یک از دستگاه‌ها دیدگاه‌ها و برنامه‌های اجرایی خود را برای تسریع در روند خدمات‌رسانی ارائه کردند.

فرج‌زاده با تأکید بر اینکه هم‌افزایی بین دستگاه‌ها می‌تواند بسیاری از موانع اجرایی و اداری را برطرف کند، گفت: تأمین به‌موقع زیرساخت‌های حیاتی، پیش‌نیاز اصلی تحویل واحدهای نهضت ملی مسکن در زمان مقرر و با کیفیت مطلوب است و هرگونه تأخیر در اجرای شبکه‌های خدماتی می‌تواند روند بهره‌برداری از پروژه را تحت تأثیر قرار دهد.

وی ادامه داد: تعامل مستمر میان مجموعه راه و شهرسازی، شرکت‌های خدمات‌رسان و پیمانکاران، علاوه بر جلوگیری از تداخل عملیات اجرایی، موجب کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری و تسریع در روند

اجرای پروژه خواهد شد.

رئیس اداره راه و شهرسازی آستانه اشرفیه با اشاره به اهمیت اجرای طرح نهضت ملی مسکن در تأمین نیاز اقشار مختلف جامعه به مسکن، خاطرنشان کرد: همه دستگاه‌های مسئول باید با نگاه جهادی و همکاری حداکثری، زمینه تحقق اهداف این طرح ملی را فراهم کنند تا متقاضیان هرچه سریع‌تر صاحب خانه شوند.

وی اظهار امیدواری کرد با اجرای دقیق برنامه‌های پیش‌بینی‌شده و پایبندی دستگاه‌های اجرایی به تعهدات خود، عملیات آماده‌سازی زیرساخت‌های پروژه بدون وقفه ادامه یافته و روند ساخت و تکمیل واحدهای مسکونی با شتاب بیشتری دنبال شود.

کشف بیش از ۵ هزار لیتر سوخت قاچاق در آستانه اشرفیه

ره‌نگاران/ مرکز اطلاع‌رسانی پلیس گیلان از کشف پنج هزار و ۵۰۰ لیتر نفت قاچاق در شهرستان آستانه اشرفیه خبر داد.

به گزارش [پایگاه اطلاع‌رسانی ره‌نگاران](#)؛ به نقل از مرکز اطلاع‌رسانی پلیس گفته شده، در پی دریافت خبری مبنی بر دپو سوخت قاچاق در یک محوطه کارگاهی در شهرستان آستانه اشرفیه، بررسی موضوع به صورت ویژه در دستور کار پلیس قرار گرفت و ماموران پلیس آگاهی این شهرستان پس از انجام تحقیقات و اطمینان از صحت موضوع به محل موردنظر اعزام شدند.

بر پایه این گزارش، پنج هزار و ۵۰۰ لیتر سوخت قاچاق از نوع نفت در بازرسی از این مکان کشف شد که کارشناسان ارزش این کشفیات را پنج میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال برآورد کردند و در این خصوص متهم ۶۱ ساله با تشکیل پرونده در اختیار مرجع قضائی قرار گرفت.

راه اندازی زودهنگام پست 63 کیلوولت آستانه اشرفیه

ره‌نگاران/ نماینده مردم آستانه اشرفیه و بندرکياشهر از راه اندازی زودهنگام پست 63 کیلوولت آستانه اشرفیه خبر داد و گفت: موضوع احداث پست 63 کیلوولت جدید آستانه اشرفیه مورد بررسی و تصمیمات لازم اتخاذ شد.

به گزارش [پایگاه اطلاع رسانی ره‌نگاران](#)؛ ابراهیم نجفی نماینده مردم آستانه اشرفیه و بندرکياشهر در مجلس شورای اسلامی با اشاره به نشست مشترک با مدیرعامل برق منطقه‌ای گیلان در دفتر فرماندار آستانه اشرفیه اظهار کرد: در جلسه‌ای که با حضور عادل سلیمانی، مدیرعامل برق منطقه‌ای گیلان برگزار شد، موضوع احداث پست 63 کیلوولت جدید آستانه اشرفیه مورد بررسی قرار گرفت و تصمیمات لازم برای پیشبرد این پروژه اتخاذ شد.

وی با اشاره به جریات و توافقات این دیدار گفت: بر اساس توافقات انجام شده، شهرداری آستانه اشرفیه در تأمین الزامات مورد نیاز پروژه همکاری خواهد کرد تا زمینه برای آغاز عملیات اجرایی این طرح مهم زیرساختی فراهم شود.

نماینده مردم آستانه اشرفیه و بندرکياشهر در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه احداث این پست برق از مطالبات مهم مردم منطقه است، افزود: پیش‌بینی می‌شود این پروژه با اعتباری در حدود 700 میلیارد تومان توسط برق منطقه‌ای گیلان اجرا شود و نقش مهمی در ارتقای پایداری شبکه برق شهرستان داشته باشد.

نجفی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به پروژه‌های عمرانی شهرستان بیان کرد: در حوزه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و راه‌سازی نیز برنامه‌های مختلفی در حال پیگیری است که بخشی از آنها به دلیل شرایط ناشی از جنگ و محدودیت‌های اعتباری با چالش‌هایی مواجه شده‌اند.

وی با بیان اینکه در موضوع احداث تقاطع‌های غیرهمسطح شهرستان نیز

با محدودیت منابع مالی و نقدینگی روبه‌رو بودیم، اما با پیگیری‌های انجام شده، دستورات لازم از وزیر مربوطه اخذ شده تا از ظرفیت‌های قانونی موجود برای تأمین منابع مالی استفاده شود، تصریح کرد: استفاده از ظرفیت مولدسازی دارایی‌ها، اسناد خزانه اسلامی، اعتبارات سازمان راهداری و همچنین بهره‌گیری از منابع مرتبط با نقاط حادثه‌خیز از جمله راهکارهایی است که برای تأمین اعتبار این پروژه‌ها در حال پیگیری است.

نماینده مردم آستانه‌اشرفیه و بندرکياشهر در مجلس شورای اسلامی با اشاره به روند اجرای پل غیرهمسطح ورودی آستانه‌اشرفیه در محدوده شرکت گیلپوش گفت: این پروژه پیشرفت مناسبی داشته و بخش عمده عملیات سازه‌ای آن شامل اجرای شمع‌ها و دال پل به اتمام رسیده و در حال حاضر عملیات شن‌ریزی و برخی مراحل تکمیلی پروژه باقی مانده و پیش‌بینی می‌شود این پل زودتر از برنامه زمان‌بندی به بهره‌برداری برسد.

نجفی همچنین به پروژه پل میدان کیسم اشاره کرد و افزود: این پروژه نیز در حال پیشرفت است و تلاش می‌کنیم با استفاده از ظرفیت ماده 56 قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، منابع مالی لازم برای تسریع در اجرای آن تأمین شود.

وی تأکید کرد: تکمیل پروژه‌های زیرساختی حوزه برق و حمل‌ونقل از اولویت‌های اصلی توسعه آستانه‌اشرفیه و بندرکياشهر است و با همکاری دستگاه‌های اجرایی و حمایت دولت، روند اجرای این طرح‌ها با جدیت دنبال خواهد شد.

ضرورت ایجاد زیرساخت‌های پایدار برق در آستانه اشرفیه

ره‌نگاران/ نماینده مردم آستانه‌اشرفیه و بندرکياشهر، با تأکید بر ضرورت ایجاد زیرساخت‌های پایدار برق در آستانه اشرفیه گفت: اگرچه در بخش توزیع برق اقدامات مناسبی صورت گرفته، اما همچنان در حوزه برق منطقه‌ای و شبکه فوق‌توزیع با ضعف‌های جدی مواجه هستیم که

نیازمند توجه ویژه است.

به گزارش [پایگاه اطلاع رسانی ره نگاران](#)؛ ابراهیم نجفی، نماینده مردم آستانه اشرفیه و بندرکیاشهر در مجلس، با اشاره به دیدار خود با مدیرعامل برق منطقه‌ای گیلان، اظهار کرد: در طول دو دوره‌ای که افتخار نمایندگی مردم آستانه اشرفیه و بندرکیاشهر را در مجلس شورای اسلامی داشته‌ام، یکی از نخستین مطالبات مردم در دیدارهای مردمی، چه در شهرها و چه در روستاها، موضوع برق و پایداری شبکه بوده است.

وی با قدردانی از مجموعه فرمانداری و مسئولان حوزه برق استان افزود: خوشبختانه با همکاری و پیگیری‌های صورت گرفته و همچنین اجرای مصوبات و برنامه‌های پیش‌بینی‌شده، وضعیت شهرستان در حوزه توزیع برق نسبت به گذشته به پایداری مطلوب‌تری رسیده است.

نماینده مردم آستانه اشرفیه و بندرکیاشهر در مجلس شورای اسلامی با تقدیر از مدیران شرکت توزیع برق استان گفت: اقدامات انجام شده در سال‌های اخیر قابل توجه بوده است؛ به گونه‌ای که طی حدود دو سال گذشته بیش از 150 دستگاه ترانسفورماتور در نقاط مختلف شهرستان نصب و یا تقویت شده و بیش از 200 کیلومتر شبکه فرسوده برق نیز به کابل خودنگهدار و شبکه استاندارد تبدیل شده است.

به گفته نجفی، همچنین با دستور و حمایت مدیرعامل شرکت توانیر، برنامه‌ای دو و نیم ساله برای تکمیل اصلاح و نوسازی شبکه برق شهرستان در حال اجراست که بخشی از اعتبارات آن به صورت مرحله‌ای در حال تخصیص است.

وی با بیان اینکه حدود یک سال از اجرای این برنامه سپری شده است، افزود: امیدواریم با تحقق کامل این طرح، طی یک سال و نیم آینده بخش عمده‌ای از شبکه‌های سیمی قدیمی شهرستان حذف و جای خود را به شبکه‌های جدید و پایدار بدهند.

نماینده مردم آستانه اشرفیه و بندرکیاشهر در مجلس تأکید کرد: اگرچه در بخش توزیع برق اقدامات مناسبی صورت گرفته، اما همچنان در حوزه برق منطقه‌ای و شبکه فوق‌توزیع با ضعف‌های جدی مواجه هستیم که نیازمند توجه ویژه است.

نجفی با اشاره به آسیب‌پذیری شبکه موجود بیان کرد: در یکی از بارش‌های برف که ارتفاع آن حدود 10 سانتی‌متر بود، تنها در طول یک

روز برق آستانه‌اشرفیه 9 بار قطع شد که این مسئله نشان‌دهنده ضعف زیرساخت‌های شبکه فوق‌توزیع و ضرورت بازسازی و تقویت آن است.

وی خطاب به مدیرعامل برق منطقه‌ای گیلان گفت: از اقدامات و پیگیری‌های انجام شده در مدت مسئولیت جنابعالی قدردانی می‌کنیم، اما انتظار مردم و مسئولان شهرستان این است که آستانه‌اشرفیه در برنامه‌های توسعه‌ای برق منطقه‌ای به‌صورت ویژه دیده شود، توضیحات فنی و برنامه‌های ارائه‌شده برای احداث پست برق آستانه‌اشرفیه قابل تقدیر است، اما آنچه برای مردم اهمیت دارد دستیابی به نتیجه و اجرای پروژه‌هاست و انتظار داریم این موضوع با جدیت بیشتری دنبال شود.

نماینده مردم آستانه‌اشرفیه و بندرکیاشهر در مجلس با تأکید بر ضرورت احداث پست برق آستانه‌اشرفیه افزود: ما به دنبال راهکارهای موقت و م‌سکن نیستیم، بلکه خواستار اجرای پروژه‌های زیرساختی و ماندگار برای رفع مشکلات برق شهرستان هستیم.

نجفی‌همچنین با اشاره به نیازهای زیرساختی بندرکیاشهر گفت: احداث پست برق در بندرکیاشهر نیز از دیگر مطالبات مهم منطقه است و انتظار داریم این پروژه نیز در برنامه‌ریزی‌های برق منطقه‌ای گیلان مورد توجه قرار گیرد.

وی ابراز امیدواری کرد با تعامل میان مسئولان استانی و ملی و حمایت برق منطقه‌ای گیلان، پروژه‌های زیرساختی حوزه برق شهرستان هرچه سریع‌تر وارد مرحله اجرا شده و دغدغه‌های مردم در این بخش برطرف شود

«شهدا» ستون‌های اقتدار ایران هستند

ره‌نگاران/ جمعی از مسئولان به همراه نماینده آستانه‌اشرفیه با خانواده شهدای جنگ ۱۲ روزه این شهرستان دیدار کردند.

به گزارش [پایگاه اطلاع رسانی ره نگاران](#)؛ نماینده مردم آستانه اشرفیه در مجلس شورای اسلامی، در این دیدار شهدا را «سرمايه‌های انقلاب و ستون‌های اقتدار ایران» خواند و با اشاره به حمله مستقیم رژیم صهیونیستی و آمریکا به منازل مسکونی، این جنایت را نشانه بی‌اعتنایی دشمن به جان غیرنظامیان و حرمت خانه و خانواده دانست. ابراهیم نجفی، تأکید کرد: خون پاک شهدا، پشتوانه امنیت و ایستادگی ملت ایران است و این‌گونه جنایات، عزم مردم ایران برای دفاع از آرمان‌ها را افزایش می‌دهد. رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران آستانه اشرفیه هم با تأکید بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت گفت: روایت مظلومیت و مقاومت این شهدا باید برای نسل‌های آینده ماندگار بماند. در حمله با‌مداد ۳ تیر ۱۴۰۴ دشمن صهیونیستی به آستانه اشرفیه، شهیدان مجتبی محمدپور، شهربانو پوررمضان و احمد لطیف‌رادی به همراه ۱۵ نفر دیگر به شهادت رسیدند.

وقتی دست‌های خدا به کمک می‌آیند

ره نگاران- اختصاصی/ وقتی بعد از بمباران اسرائیل به تهران عکسش رو توی فضای مجازی دیدم که چطور تکیه داده به درخت و با چشمای باز خوابش برده میدانستم که از خستگی نیست، از ناراحتیست...

به گزارش [پایگاه اطلاع رسانی ره نگاران](#) - **نوشین کریمی:** امیر مومنی رو از سال ۷۹ میشناسم. از وقتی که وارد جمعیت هلال احمر شدم، رفتم کلاس آموزش مقدماتی امداد و نجات ثبت نام کردم و بعدش کلاس‌ها و دوره‌های مختلف و نهایتش شدم دبیر شورای جوانان و مربی پیشاهنگان و امدادگری که تو جاده و طرح دریا و فعالیت‌های فوق برنامه جمعیت کنار گروه‌های مختلف داوطلبانه می‌موندم و کار میکردیم.

□ ساعت‌ها، بدون خستگی، بدون بهانه و...

امیر به ظاهر چند سالی از بقیه اعضا کوچکتر بود، اما توی همه برنامه‌های هلال احمر بخاطر قد بلندش زود پیدا میشد و هر جا گیر بودیم مثل آچارفرانسه مشکل گشا میشد.

علاوه بر امدادگری، الان رئیس هیات نجات غریق و غواصی شهرستان رشت هم هست و چندین مغروق رو از آب پیدا کرده و تحویل خانواده هاشون داده...

وقتی بعد از بمباران اسرائیل به تهران عکسش رو توی فضای مجازی دیدم که چطور تکیه داده به درخت و با چشمای باز خوابش برده میدوندم که از خستگی نیست، از ناراحتیه...

امیر با اینکه سال ها در دل بحران ها بوده و در عملیات های زیادی شرکت کرده اما جنس عاطفیش سر جاشه و با هر غمی بهم میریزه...

میدونستم تو اوج کار و گرفتاری همیشه مزاحمشون شد، ولی دلم طاقت نیاورد و بالاخره بهش پیام دادم و جویای احوالش شدم. گفت که خوبم و بخاطر مادر پیرم که به یکسری وسایل نیاز داشت برگشتم.

به قول رضا کیانیان که نوشت: قهرمان ها شبیه سوپرمن نیستند، گاهی شبیه بچه های هلال احمرند که چند روزه خونه نرفتند...



امیر مومنی دقیقا برای دوستان و خانواده اش هم با دل و جون وقت میزاره و با شهامتی که داره از دل بحران ها سربلند بیرون میاد.

ازش خواستم تا دیر نشده، چیزایی که از زمان حضورش در صحنه جنایات اسرائیلی ها یادش هست برام تعریف کنه و تعریف کرد:

✓ دستهای خدا

مومنی گفت: ما از روز جمعه آنجا بودیم. دقیقا پنج روز، چیزهایی را دیدیم که فکر کنم هیچ کس نتوانسته تا امروز ببیند و دوست دارم هیچوقت هیچکس چنین صحنه هایی را در طول زندگیش نبیند.

وی افزود: خدا کمک کند همه آدم هایی که به ما نجاتگران نیاز دارند و ما تکیه گاهشان هستیم، بتوانند از ما کمک های خوبی بگیرند و ناامید نباشند.

مومنی با اشاره به اینکه حدود ۲۰ نفر از کسانی که زیر آوار جانشان را از دست داده بودند از لای خرابه ها بیرون آوردیم اضافه کرد: سه نفر را کمتر از یکساعت توانستیم زنده در بیاریم.

وی ادامه داد: وقتی دو آقا را داشتیم در می آوردیم یک مرتبه صدای ناله یک زن را هم شنیدم، تمام افرادی که بیرون از محوطه بودند را ساکت کردم و گفتم اینجا صدای کس دیگری هم می آید. و هم مردم و هم امدادگران و ماموران کمک کردند تا ۱۰ دقیقه کاملاً آنجا در سکوت فرو رفت و ما توانستیم واضح تر صدای ناله آن زن را بشنویم که از محل آن دو تا آقا پایینتر و سختتر بود. ولی بالاخره پیدایش کردیم و توانستیم با هزار زحمت، با کمک تجهیزاتی که داشتیم راهی باز کنیم و به آن خانم برسیم.

مومنی بیان کرد: کارهای اولیه امدادی را انجام دادیم، آوار را آجر به آجر و تیکه تیکه از روی خرابه ها، آهن ها و... که روی آدمایی که زیر آوار گیر کرده بودند برمی داشتیم تا اینکه توانستیم هر سه نفر را نجات دهیم.

وی با اشاره به اینکه، هر سه مصدوم میگفتند ما فکر نمی کردیم دیگر بتوانیم نور خورشید را ببینیم و صدایی بشنویم، اظهار کرد: آنها گفتند ناامید شده بودیم که یکدفعه دست های از سوی خدا آمد و ما را نجات داد، و من هم در جواب گفتم ما بچه های گیلانیم که برای کمک به کمک اینجا هستیم. حتما نگاه خدا همین بوده.

✓ واقعا حرفه ای عمل کردند

مومنی یادآور شد: ما در تیم اول ۱۱ نفر، که تیم واکنش سریع و تیم سگ های زنده یاب بودیم، با سه خودرو به منطقه رفته بودم، شنبه یا یکشنبه دوباره تیم دوم به ما اضافه شد و شدیم ۴۰ نفر که هر منطقه ای را میرفتیم سریع آنجا را پاکسازی میکردیم و به قدری کارمان خوب و درست بود که دبیر کل جمعیت هلال احمر خوشش آمده بود و گفت من از بچه های گیلان واقعا راضی هستم.

وی افزود: این رضایت نه اینکه بچه های گیلان از بقیه تیم ها سرتر باشند، اما واقعا حرفه ای عمل کردند و خوب خودشان را نشان دادند و خوش درخشیدند و این عملکرد به چشم دبیرکل امد که باعث افتخار ما بود.

✓ آسیبی ندیدم و این دعای خیر مادرم بود

مومنی به فعالیتش در طرح سالم سازی دریا هم اشاره کرد و با بیان اینکه طی دو سال پیایی موفق شدم که در حوزه نوار ساحلی ۲۲ کیلومتری کسی غرق نشود و مردم با آرامش در منطقه شنا کنند گفت: در کمتر از سه سال ۳۶ نفر از کسانی که غرق شده و زیر آب بودند را پیدا کردم و تحویل خانواده هایشان دادم، البته خدا را شاکرم که در همه عملیات ها کوچکترین آسیبی ندیده ام و توانستم هم پای تیم به هموطنانم کمک کنم و بدون شک این از دعای خیر مادرم بود و دعای همه آنهایی که نجاتشان میدادیم، و چون توکل‌مان به خداست کارهای تیمی خوبی انجام دادیم اما این جنگ و این اتفاق برای هموطنانم داغ دیگریست ...

✓ مادی روی درخت

وی بیان کرد: موارد متعددی در جریان آن چند روزی که در ویرانه ها بودیم، دیدم مثلا جایی رفتیم که بنده خدا خانمی باردار بود و از ترس از پنجره پریده بود بیرون ساختمان پنج طبقه روی یک درخت. وقتی صداها و فرو ریختن ساختمان فروکش میکند، بچه های امداد میرسند و با مراقبت این مادر را پایین می آورند که بعدش ما به صحنه میرسیم، نوزاد آن خانم زود و سالم به دنیا آمد و مادر هم هیچ خراشی ندید ولی همسر آن خانم متاسفانه در زیر آوار ماند.

این حرف ها را که میزند بغض می کند و مانند مردان، کلمات را سنگین قورت می دهد تا راهی برای ادامه حرف هایش باز شود. اما میدانم این نجاتگران لایه لای مرور همین خاطرات چند هفته پیش، و آن ترس ها و اضطراب ها، بغض ها، گریه ها، حرف های زیادی را زیر آوارها جا گذاشته اند.

مومنی تصریح کرد: طی آن چهار پنج روز شرایط خیلی سخت و بحرانی بود و حتی تمام صحنه ها در ذهن و افکار بچه ها مدام میچرخید، بچه ها هم نگران خانواده های خودشان بودند و هم اینکه دوست داشتند در کنار مردمی که در چنین بحرانی گرفتار شدند در تهران بمانند و کمک کنند.

وی اضافه کرد: ما یاد گرفته ایم که کمک کنیم و دست کسانی که به ما احتیاج دارند را بگیریم، اما در شرایط بحران جنگی که برای اولین بار تجربه اش میکردیم از طرفی نجات جان بیشتر هموطنانمان مهم بود و از طرفی نگرانی خانواده های ما از عدم حضورمان در کنار خودشان آنهم در چنین شرایطی سخت بود.

✓ خانواده ها منتظر اجساد عزیزانشان بودند

مومنی ادامه داد: مثلا در همان چند روز موشک، تیراندازی و حتی بمب را از نزدیک احساس کردیم. مثلا جلوی ما اتفاق افتاد انفجار آن آمبولانس و شهادت سه امدادگری که داخلش بودند. پیکر ۶ نفر دیگر را با آن سه نفر امدادگر، ما با یک شرایط سخت جمع کردیم و کاور زدیم. همان لحظه باز موشک و تیراندازی بود. دقیقا بغل همان ماشین آمبولانس که آتش گرفته بود.

وی گفت: بچه ها همه جا پخش شده بودند، شرایط کاملا بد و بحرانی بود و ما دلمان را زده بودیم به دریا چون میدانستیم که اگر آنها را جمع نکنیم و نیاوریم، خانواده هایشان همیشه چشم انتظار خواهند ماند.



مومنی با تاکید به اینکه همیشه دوست داشتم نیروی فعالی باشم و با کار در جمعیت هلال احمر بتوانم خدمات بیشتری انجام دهم افزود: پس از سال ها کار داوطلبانه و امدادی، حالا ۱۴ سال است که یک نیروی شرکتی هستم و این کم لطفی ها را می بینیم که امتیاز زیادی برای ما قائل نیستند اما با این وجود چیزی از خدمات ما به مردم کم نمیکند چون تعهد ما انسان دوستانه و بشردوستانه است و میدانیم که با خدا معامله کرده ایم.

✓ بازتاب یک عکس

در خصوص عکسش که خیلی در فضای مجازی وایرال شده هم گفت: این عکس را «علی قریشی، گرفت. وقتی آن دانشمند هسته ای را زده بودند، همان خانه ای که آن خانم باردار پریده بود روی درخت و کارهای نجاتش انجام شده بود خیلی خسته شدیم و بُریده بودیم، نزدیک ۱۴ نفر شهید و فکر کنم یک خانم و آقا که فقط زنده مانده بودند را نجات داده بودیم و دیگر حالی بر ما نبود و همینطور نشستیم جایی تکیه دادم تا فقط ریکاوری بشم اما گویا چشم باز چند دقیقه ای خوابیدم که «علی قریشی» عکسم را گرفت و بعدش روابط عمومی ساختمان صلح این عکس را توی سایت و پیج گذاشت و بازتاب های زیادی گرفت.

✓ و حالا گیلان و شهدای آستانه

چندباری طی این گفت و گو، امیر مومنی را در مراسم «تشییع شهدا» و اجتماعات «خشم و نصر» دیدم اما دقیقا یک شب قبل از آتش بس، یکبار دیگر اسرائیل روی خبیثش را دقیقا کنار گوش ما نشان داد و آستانه اشرفیه را مورد هدف قرار می دهد و یک دانشمند هسته ای را به همراه ۱۶ هم وطن دیگر از ما گرفت.

باز هم امیر مومنی و تیم واکنش سریع استان بودند که در میدان حاضر شدند و یکی یکی اجساد اربا اربا شده را از زیر آوار بیرون کشیدند...



«روایت واقعه» از یک شب جنایت در آستانه

سرنوشت خیابان فردوسی، کوچه فتح المبین

ره نگاران/ هدف شاید دانشمند هسته ای بود، علم بود و پیشرفت ایران عزیز، اما دشمن که انسانیت ندارد بفهمد برای یک نفر، نباید جان دیگران را بگیرد و این موضوع «روایت واقعه» را دردناکتر میکند.

به گزارش خبرنگار [بایگاہ اطلاع رسانی ره نگاران](#)-نوشین کریمی: از آغازین لحظات سومین روز تیرماه، از همان تکان های خانه و لرزیدن شیشه ها و تماس های تلفنی پشت هم، 15روز گذشته و هر بار فیلم ها، عکس ها و روایت های منتشر شده را مرور می کنم اما انگار من در سکون مانده و زمین دارد به چرخش ادامه می دهد..

لبم خشک میشود، گلویم می سوزد و سر درد شدیدی دارم. همسرم می

گوید نرو، دیگر چیزی نمانده که تماشايش کنی ولی من مصمم هستم، باید آن خرابه ها و آن ویرانی را ببینم و ببینم و شاید برای همیشه به خاطر بسپارم.

قرارمان با همکاران مزار شهدای رشت بود. با همان سردرد همیشگی زودتر رسیدم تا کمی با رفقای شهیدم درد دل کنم.

روی یکی دو تا مزارهای آشنا تر زانو زدم و فاتحه ای خواندم و منتظر حضور خبرنگارانی شدم که مشتاق به زیارت مقتل شهدای آستانه بودند. یکی یکی رسیدند تا هر کس بعد از 15 روز از نگاه خودش «روایت واقعه» را انعکاس دهد...

مسیر رشت تا آستانه را با مرور آنچه در این ایام بر ما گذشت، گذراندیم و دل ها را گره زدیم به دل های بازماندگانی که یک شبه کربلا را به عینه دیدند و احساس کردند.

ماجرایی که از نخستین روز جنگ اسرائیل علیه ایران یعنی 23 خرداد شروع شد. وقتی که خانه دانشمند هسته ای اهل آستانه (سید محمدرضا صدیقی صابر) را در تهران زدند و در این حمله فرزند 17 ساله اش به نام «حمیدرضا» به شهادت رسید و دانشمند هسته ای ما هر چه سعی کرد با پتوی خیس به داخل اتاق پسرش برود و او را از آتش بیرون بیاورد، نشد که نشد. و مادرش راضی به رضای خدا بود که «حداقل میدانم پسرم درد نکشیده و راحت به شهادت رسیده» گفته بود «پسرم امانت خدا بود و خدا اینجور از من پشش گرفت».

اما کینه دشمن به ترور دانشمندان و فرماندهان ارشد نظامی ما همان شب تمام نشد و میدانست چه کسانی را به شهادت رسانده و چه کسانی هنوز زنده اند، رد دانشمند هسته ای را تا آستانه اشرفیه گرفت.



آستانه ای که تا سوم تیر حتی صدای پهباد و پدافندی را از شروع جنگ نشنیده بود یکباره حوالی ساعت 1:10 با صدای انفجاری بهم ریخت و فیلم و عکس و خبرها از منزل پدر همسر این دانشمند هسته ای و همسایگان شان سرازیر شد. منزلی که میزبان عزاداران «حمیدرضا» بود و 12 نفر از اعضای خانواده با هم به سوگ نشسته بودند.

هدف شاید دانشمند هسته ای بود، علم بود و پیشرفت ایران عزیز، اما دشمن که انسانیت ندارد بفهمد برای یک نفر، نباید جان دیگران را بگیرد، و این موضوع روایت این واقعه را دردناکتر میکرد.

سرنوشت خیابان فردوسی، کوچه فتح المبین شهر آستانه اشرفیه آن شب به وسیله ۳ موشک که از پهباد یا هواپیمای جنگنده شلیک شده یکباره تغییر کرد. چهار خانه تخریب کامل شدند و خیلی از منازل دیگر دچار خسارت.

از ماشین که پیاده شدیم هر کدامان سمتی رفتیم. روی خرابه هایی که یک روزی زندگی جریان داشت حالا داغی فرو خفته نشسته بود.

هر گوشه و کنارش عکس شهیدی بود و مایی که سعی می کردیم، رد پای زندگی را از زیر آوارها در بیاوریم... از کتاب های درسی و دفترچه قسط، رختخواب های گلداز و گیره های لباس و دمپایی قرمز سوراخ سوراخ شده بچه گانه و کیف عروسکی «کیتی» تا ظرف شکسته ذرت و ترشی و مربا و....

قدم زدن در خانه هایی که می توانستیم با رد پای آنچه باقی مانده بود، در و پنجره و اتاق خواب هایش را تصور کنیم خیلی فضا را سنگین میکرد. صاحب خانه هایی که نبودند اما روحشان و رد خون جسم بی جانسان را می دیدم. من نه، همه همکارانم داشتند از این حرف میزدند که چقدر اینجا حضور شهدا را احساس می کنیم.

حتی حیاط خلوت خانه ها را می توانستیم ترسیم کنیم. حتی باغچه کوچک همسایه و درختی که سایه اش روی ایوان خانه آن یکی دیگر بود. درخت انجیر و انار و غوره و...، حتی آنجا سبزیجات تازه هم از زیر خرابه ها خودشان را با نور خورشید به بیرون کشانده بودند و برگ های سبز خاک گرفته شان به ریشه های محکشان، اطمینان داشتند...

و کبوترهایی که میدانستند اینجا حرم است، با خون شهدایی که بیگناه و بیخبر و بی صدا پرواز را تجربه کرده بودند، دوست شده بودند.

مبل گوشه دیوار که من را یاد شهید «سنوار» انداخت. همانقدر با ابهت و جاودانه.

و زندگی اما در این کوچه همچنان ادامه دارد. صدای کارگران از خانه های مجاور و داخل کوچه های اطراف مرا کشاند به تماشای خانه هایی که اگر چه دورتر بودند اما ازین اتفاق دچار خسارت شده بودند. یکی داشت سقف خانه اش را حلب میزد و آن یکی داشت نجاری میکرد. یکی شیشه های شکسته را عوض میکرد و آن یکی گل و لای پاشیده شده بر درو دیوار منزلی را پاک می کرد...

دیوارهای ترک خورده کوچه «بیت المقدس» احتیاج به ترمیم داشتند و گل های اقاقی آویزان شده هم رنگشان پریده بود...

هر کسی با موتور و ماشینی می آمد و چند دقیقه ای می ماند و با افسوس و حسرت و شاید خاطره ای به جا مانده در زیر آوارها، میرفت و ما که بهشت را ندیده اینجا را بهشت کرده بودیم دلمان نمیخواست جای دیگری برویم.

اصلا زندگی همین جا بود. می توانستم تصور کنم پدر خانه خسته از سر کار آمده و مادر برایش سفره انداخته و بچه ها از سر کولش بالا می رفتند. آن یکی دفتر نقاشی اش را آورده بود و داشت خانواده کوچکشان را بزرگ نقاشی میکرد.

پدر بزرگ کتاب دستش بود و داشت تاریخ میخواند و مادر بزرگ شاید داشت پیراهن نوه شهیدش را وصله میداد تا یادگاری نگه دارد... دختر بزرگتر «سیده فاطمه صدیقی صابر» که، دانشجوی ترم دوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بود داشت ویلچر مادر بزرگ را که حالا مادر «فاطمه صابر» با پاهای زخمی اولین شب جنایت رژیم صهیونیستی آسیب دیده بود روغن کاری میکرد و بقیه اقوام که برای سر سلامتی آنجا بودند هر کدامشان آلبومی دستشان گرفته بودند و خاطرات قبل از جنگ را مرور میکردند... شاید.

شاید آنشب همه دلشان تنگ «حمیدرضا» بود. حتی خواهر کوچکش «سیده محیا صدیقی صابر» که آرزو کرده بود عمو برایش لاک گلبه ای بخرد. شاید زندگی هنوز ادامه داشت.



سند جنایت آمریکا و اسرائیل پیکرهای شهیدی که تشییع کردیم و به خاک سپردیم نیست. لاشه چند ماشین که در سطح شهرها گذاشته اند نیست. کتاب هایی که هر ورقش داستانی را روایت میکردند و در آتش سوختند نیست. سند جنایت آمریکا خاطراتی است که یاد ما نمیرود. گل های سرخ قالی یک خانه، آجرهایی که دیگر روی هم سوار نبودند، سقفی که فرو ریخته بود، گلدانی که برگل هایش خشک شده بودند و...

اینجا مقتل شهدای زندگی بود. «شهید سید محمدرضا صدیقی صابر»، «شهیده سیده محیا صدیقی صابر»، «شهیده سیده فاطمه صدیقی صابر»،

«شهیده زهرا صابر»، «شهید موسی صابر»، «شهیده سلطنت حسین پور»،
«شهیده یاس صابر»، «شهید حامد صابر»، «شهید میلان صابر»، «شهید
مهسا احمدی»، «شهید امیرعلی چتر عنبری»، «شهید احمد لطفی راد»،
«شهیده روح انگیز فرهنگ مهینی»، «شهیده شهربانو پور رمضان»،
«شهید مجتبی محمد پور»

هر جا را که پا می گذاشتیم خون شهیدی ریخته بود و ما شرمنده تر
قدم میزدیم.

نهایتش رفتیم مزار این شهدا را دیدیم، همه در یک ردیف، شانه به
شانه هم خوابیده بودند. قشنگترین عکس هایشان روی مزار بود و
بنظرم چقدر قشنگ بود خانواده ای که اینجور پشت هم بودند.



رفع ضعف فشار آب شرب مناطقی از

شهرستان آستانه اشرفیه در بخش روستایی

ره نگاران/ ضعف فشار آب شرب مناطقی از شهرستان آستانه اشرفیه در بخش روستایی مرتفع شد.

به گزارش [پایگاه اطلاع رسانی ره نگاران](#)؛ به نقل از روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب گیلان؛ سرپرست امور آبفای آستانه اشرفیه از تعویض الکتروپمپ چاه فلمن شماره 2 مجتمع آبرسانی شهید خوش سیرت و همچنین مجتمع آبرسانی نقره ده بندر کياشهر خبر داد.

حسین هاتف گفت: در پی افت فشار آب ورودی مجتمع آبرسانی شهید خوش سیرت که بخشی از روستاهای شهرستانهای آستانه اشرفیه، لاهیجان و لنگرود را تحت پوشش دارد، این امور اقدام به تعویض پمپ شناور چاه، با هزینه تقریبی 800 میلیون ریال کرد.

وی افزود: همچنین ضعف فشار آب شرب 6 روستای بندرکياشهر با 2 هزار و 181 مشترک که از مجتمع آبرسانی نقره ده تامین آب می شود با تعویض الکتروپمپ این مجتمع به توان 15 کیلووات مرتفع شد.